

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۲/۲۰
تاریخ بررسی مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۲۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۶/۲۰

مجله‌ی علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز
بهار و تابستان ۱۳۹۲، دوره‌ی ششم، سال ۲۰-۲۱
شماره‌ی ۱، صص: ۵۱-۷۴

جهانی شدن و اثرات آن بر اهداف برنامه‌ی درسی نظام آموزشی ایران

* سید منصور مرعشی
** یدالله مهرعلیزاده
*** طلعت طوسی

چکیده

هدف این پژوهش بررسی مبانی نظری جهانی شدن و اثرات آن بر اهداف کلی برنامه‌ی درسی نظام آموزش و پرورش ایران می‌باشد. در این رابطه سه نظریه‌ی مهم فلسفی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که در آثار والراشتاین (نظریه‌ی نظام جهانی)، مایر و بولی (نظریه‌ی سیاست جهانی) و رابرتسون (نظریه‌ی فرهنگ جهانی) بوده، در حوزه‌ی نظام آموزشی و برنامه‌ی درسی بررسی شده است. بازتاب هر نظریه در برنامه‌ی درسی نشان می‌دهد که جهت‌گیری برنامه‌ی درسی نظام‌های آموزشی به سمت جریانی از تکثرگرایی، توجه به خرده فرهنگ‌ها، توجه به هویت ملی و بومی، آموزش فنی حرفه‌ای، آموزش مادام‌العمر و تمرکززدایی پیش می‌رود. با توجه به این که جامعه‌ی ایران نیز جامعه‌ای جوان و در حال گذر است و ضرورت میزان اثرپذیری اهداف برنامه‌ی درسی این کشور از تحولات جهانی امری اجتناب‌ناپذیر است، لذا این پژوهش با بهره‌گیری از روش کیفی-تحلیلی به بررسی میزان تناسب اهداف برنامه‌ی درسی ایران با اهداف برنامه‌ی درسی نظریه‌های نامبرده پرداخت. در این پژوهش مشخص شد این نظریه‌ها شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با اهداف برنامه‌ی درسی ایران دارند و فرصت‌ها و تهدیدهایی ایجاد می‌کنند. فرصت‌های این سه نظریه برای برنامه‌ی درسی ایران، توجه به خصوصی‌سازی، تمرکززدایی، برنامه‌ی درسی تلفیقی، تأکید بیش‌تر بر هویت ملی، خرده فرهنگ‌ها، صلح و آموزش مداوم می‌باشد. تهدیدات این سه نظریه برای برنامه‌ی درسی ایران در تأکیدی است که بر برنامه‌ی درسی موضوع‌محور، بهره‌کشی اقتصادی، ترویج روحیه‌ی مصرف‌گرایی و ناهمواری توزیع دانش دارد.

واژه‌های کلیدی: جهانی شدن، برنامه‌ی درسی، اهداف، نظریه‌های جهانی شدن.

marashi_s@scu.ac.ir

* استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده‌ی مسئول)

mehralizadeh_y@scu.ac.ir

** استاد دانشگاه شهید چمران اهواز

*** دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه‌ی آموزش و پرورش دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

امروزه جهانی شدن^۱ موقعیتی راهبردی را در میان مسائل بین‌المللی جهت مطالعه و پژوهش پیدا نموده است و به عنوان یک پدیده‌ی نو وارد عرصه‌های گوناگون گفتمان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دنیا شده است. در این میان حوزه‌ی تعلیم و تربیت نیز بی‌تأثیر از پدیده‌ی جهانی شدن نبوده است و اندیشمندان تربیتی برای شناخت و تبیین ابعاد مختلف جهانی شدن به بررسی آن همت گماشته‌اند و نظریه‌های مختلفی ارائه شده است.

به نظر آنتونی گیدنز^۲ «جهانی شدن به معنای گسترش روابط اجتماعی و اقتصادی در سراسر جهان است» (افتخاری، ۱۳۸۰). رابرتسون^۳ معتقد است «جهانی شدن مفهومی است معطوف به فشردگی جهان، تشدید و افزایش آگاهی از آن مانند یک کل» (امینی، ۱۳۸۳). هاروی^۴ معتقد است «جهانی شدن اصطلاحی است برای توصیف آنچه زمان و مکان نام گرفته است» (هاروی، ۱۹۸۹). از دیدگاه برخی از صاحب‌نظران تربیتی جهانی شدن معادل مدرنیته است. از این رو گیدنز جهانی شدن را نتیجه‌ی گسترش طلبی و عام‌گرایی نظام اجتماعی مدرن می‌داند که آن را از نظام اجتماعی پیشین متمایز می‌کند و جهانی شدن را یک مدرنیته‌ی بزرگ شده^۵ می‌خواند (گیدنز، ۱۹۹۰). رابرتسون (۱۳۸۰) جهانی شدن را تابع گسترش تجدد و مدرنیته نمی‌داند و آن را مدرنیته‌ی متأخر^۶ معرفی می‌کند (مهرعلیزاده، ۱۳۸۴).

با توجه به نو بودن و پیچیدگی‌های خاص جهانی شدن، نه تنها این مفهوم در تعریف مبهم است که تاریخچه‌ی آن هم خالی از ابهام نیست. نگاه تاریخی بیانگر این است که تصویر کردن جهان به عنوان یک کل واقعی و به مثابه‌ی یک ذهنیت فلسفی در اندیشه‌ی مریان تعلیم و تربیت و فلاسفه وجود داشته است. قدیمی‌ترین ریشه‌ی جهانی شدن و مرحله‌ی اول آن را در اندیشه‌های فلسفی افلاطون می‌توان پیگیری کرد. افلاطون با طرح مدینه‌ی فاضله و عطف آن به مُثُل درصدد پی‌ریزی جهانی واحد و یکپارچه بود که در آن همه چیز به مُثُل ارجاع داده

-
- 1- Globalization
 - 2- Giddens
 - 3- Robertson
 - 4- Harvey
 - 5- Enlargement of modernity
 - 6- Late modernity

می‌شد. سایر تلاش‌های فلاسفه‌ی یونان در مسیر پیدا کردن حقیقت عالم، نوعی دسترسی به اندیشه‌های جهانی بوده است.

مرحله‌ی دوم جهانی شدن به تحولات ابزاری و فکری دوره‌ی مدرنیته مربوط می‌شود که با تحولات رنسانس آغاز شد و بعد از رنسانس گرایش به ملی‌گرایی و سپس گرایش به «جهان‌وطنی اروپایی» صورت گرفت تا جایی که کمنیوس خود را «شهروند اروپا» نامید و به عنوان یکی از مریبان بزرگ از صلح جهانی، زبان جهانی، دانش و دانشگاه جهانی طرفداری کرد.

دوره‌ی سوم جهانی شدن که در واقع معلول صنعت جهانی ارتباطات است با تعبیری چون عصر اتصال^۱، عصر فضا^۲ و عصر الکترونیک^۳ معرفی شده است. بشر در این دوره با ابتکار و به‌کارگیری نبوغ و با تکمیل اختراعات و اکتشافات خویش در زمینه‌ی معادن و صنعت و با ساخت ماشین‌آلات و خصوصاً استفاده از اتم توانست صفحات عظیمی از حیرت و شگفتی را در این قرن بر پهنای گیتی بر جای گذارد (عاملی، ۱۳۸۳). با یک نگاه خطی در طول تاریخ می‌توان دریافت که جهانی شدن از صورت ذهنی^۴ به صورت عینی^۵ تغییر یافته است. چنین وضعی خواه ناخواه در جنبه‌های مختلف فردی و اجتماعی اثرگذار خواهد بود. از آنجا که آموزش و پرورش همواره در دو بعد فردی و اجتماعی مطرح بوده، اجزا و عناصر تشکیل دهنده‌ی آن تحت تأثیر جهانی شدن قرار می‌گیرد که از آن جمله برنامه‌ی درسی است (افتخاری، ۱۳۸۰).

امروزه در همه‌ی کشورها از جمله ایران برنامه‌ی درسی به عنوان محور فعالیت‌های تربیتی محسوب می‌گردد و از آن جایی که نسل امروز نیازمند کسب دانش، معلومات و مهارت‌هایی هستند که متناسب با مقتضیات زندگی در زمان کنونی و نیازهای جهانی باشد و به آنها در خلق افکار جدید کمک کند، بنابراین دست اندرکاران طرح‌ریزی و سازماندهی برنامه‌ی درسی باید بتوانند با ارزش‌ترین موضوعات و دانش‌ها را انتخاب کنند و انتخاب این موضوعات باید بر مفروضاتی درباره‌ی ماهیت جهان، انسان، جامعه و زندگی نیکو مبتنی باشد؛ به گونه‌ای که فراگیران را در مواجهه با پدیده‌ی جهانی شدن آماده سازد.

-
- 1- The Age of connexity
 - 2- Space age
 - 3- Electronic age
 - 4- Subjective
 - 5- Objective

از آن‌جا که جهانی شدن به عنوان روندی بین‌المللی بر همه‌ی شئون زندگی انسان قرن بیست و یکم تأثیر گذاشته و تغییرات سریعی را در نظام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورها موجب شده است. ظهور این پدیده در ابعاد مختلف، ذهن فلاسفه و جامعه‌شناسان و دانشمندان علوم سیاسی را معطوف به خود ساخته است و نظریه‌های مختلفی ارائه شده است.

در طی ربع سوم قرن بیستم جامعه‌شناسان و دانشمندان علوم سیاسی همچون هابر ماس^۱ (۱۳۸۴) نظریه‌ی کنش ارتباطی و زیست جهان، گیدنز (۱۹۹۰) نظریه‌ی همبستگی اجتماعی و مجموعه از فرایندها، والراشتاین^۲ (۱۹۷۴) و امین^۳ (۱۹۷۹) نظریه‌ی نظام جهانی، مایر^۴ (۱۹۸۰)، بولی و توماس^۵ (۱۹۹۷) نظریه‌ی سیاست جهانی، رابرتسون (۱۹۹۲) نظریه‌ی فرهنگ جهانی، مارتین کارنوی^۶ (۱۹۹۹) نظریه‌ی جهانی شدن به عنوان فرایند جدید و مک لوهان^۷ (۱۹۸۸) نظریه‌ی ارتباطات جهانی را ارائه کرده‌اند. بررسی دیدگاه‌های ارائه شده نشانگر تنوع و گستردگی نظریه‌ها و چگونگی تفسیر پدیده‌ی جهانی شدن است. همچنین سه نظریه‌ی مهم فلسفی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی (نظام جهانی، فرهنگ جهانی، سیاست جهانی) به دنبال تحلیل ابعاد و نیروی محرکه و شکل‌دهنده‌ی پدیده‌ی جهانی شدن هستند. در نظریه‌ی نظام جهانی، جهانی شدن پدیده‌ی جدیدی نیست بلکه وسیله‌ای برای حفظ قدرت و سرمایه است. نظریه‌ی سیاست جهانی، جهانی شدن را پدیده‌ی جدیدی می‌داند که طی آن فرهنگ جامعه‌ی جهانی مسئولیت و قدرت کنشگری را به دولت-ملت واگذار کرده است. در نظریه‌ی فرهنگ جهانی، جهانی شدن پدیده‌ای نو و فرهنگی است و دولت، ملت، فردیت، انسانیت حالت نسبی به خود می‌گیرد. هر کدام از این سه نظریه تا کنون آثار خود را بر رشته‌های علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، تعلیم و تربیت به شیوه‌های مختلف گسترش داده است. بازتاب هر نظریه بر نظام‌های آموزشی و برنامه‌ی درسی نشان می‌دهد که جهت‌گیری برنامه‌ی درسی نظام‌های

-
- 1- Habermas
 - 2- Walerstien
 - 3- Amin
 - 4- Mayer
 - 5- Boli & Thomas
 - 6- Martin Carnoy
 - 7- McLuhan

آموزشی به سمت جریانی از تکثرگرایی، توجه به خرده فرهنگ‌ها، توجه به هویت ملی و بومی، آموزش فنی حرفه‌ای، آموزش مادام‌العمر و تمرکززدایی پیش می‌رود (مهرعلیزاده و صفایی مقدم، ۱۳۸۷).

با توجه به این‌که جامعه‌ی ایران نیز جامعه‌ای جوان و در حال گذر است و دانش‌آموزان ما مجبورند با جهانی روبه‌رو شوند که در معرض تحولات چشمگیر است؛ جهانی که در آن هر رشته از ساختارهای اجتماعی، در حال توسعه و تکامل است؛ جهانی که در آن مشاغل تثبیت شده هر روز تضعیف می‌شود و جهانی که در آن شرایط کار و توانایی‌های حرفه‌ای تغییر می‌کند. ظهور فناوری‌های اطلاعاتی جدید (ماهواره و اینترنت) فرهنگ خاص خود را به جوامع تحمیل نموده و گاه با ارزش‌های فرهنگی جامعه در اصطحکاک قرار می‌گیرد که در کشور ما این اصطحکاک فرهنگی به تضاد فرهنگی مبدل شده است (سجادی، ۱۳۸۲). بنابراین نظام تعلیم و تربیت باید حساسیت زیادی نسبت به پدیده‌ی جهانی شدن داشته باشد. اگر نظام تعلیم و تربیت باید به نیازهای زمان پاسخگو باشد و قابلیت‌هایی متناسب با نیازهای زمان را در اختیار نسل جدید قرار بدهد، به این نتیجه می‌رسیم که برنامه‌ی درسی هم در عصر جهانی شدن باید ظرفیت‌های تازه‌ای را در خودش ایجاد کند. چرا که به هر حال در نظام تعلیم و تربیت عمدتاً تجارب و قابلیت‌ها و شایستگی‌هایی که نسل جدید پیدا می‌کند از طریق برنامه‌ی درسی است و شاید بتوان گفت که برنامه‌ی درسی مهم‌ترین ابزار برای تحقق اهداف تعلیم و تربیت است (شایسته‌فر، ۱۳۸۴). لذا هدف اصلی این تحقیق آن است که با بررسی مبانی نظری سه نظریه‌ی مهم جهانی شدن (نظام جهانی، فرهنگ جهانی و سیاست جهانی) به بررسی تأثیر آنها بر اهداف برنامه‌ی درسی ایران بپردازد و در این رهگذر مشخص گردد که اهداف این سه نظریه با اهداف برنامه‌ی درسی ایران چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد و چه فرصت‌ها و تهدیداتی ایجاد می‌کند؟

پیشینه‌ی تحقیق

از دیدگاه برخی از صاحب‌نظران تاریخ تعلیم و تربیت، جهانی شدن پدیده‌ای است که قدمت آن به برهه‌های دوردست تاریخی برمی‌گردد و ریشه‌ی آن را می‌توان در اندیشه‌ی فیلسوفانی مانند افلاطون، کمپوس و هگل جستجو کرد. همچنین جهانی شدن در بُعد نظامی

در قالب اهداف جهان‌گشای پادشاهانی همچون کوروش و اسکندر و در بُعد مذهبی در چارچوب اهداف رهایی‌بخش ادیان بزرگ مانند اسلام و مسیحیت وجود داشته است. هر چند ریشه‌ی پدیده‌ی جهانی شدن تاریخی‌چهره‌ی طولانی دارد ولی بررسی پیرامون این پدیده به واقع به دهه‌ی ۱۹۸۰ و به ویژه ۱۹۹۰ بر می‌گردد.

در سال‌های اخیر جهانی شدن در ایران و جهان در کانون نگاه اندیشمندان تربیتی قرار گرفته و مقالات زیادی در این باره به رشته‌ی تحریر درآمده و همایش‌های آکادمیک فراوانی برگزار شده است. در این قسمت پیشینه‌ی تحقیق مرتبط با موضوع تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بعضی از مطالعات به بررسی تأثیرات جهانی شدن بر تعلیم و تربیت توجه داشته‌اند. جوادی (۱۳۷۹) با پرداختن به جهانی شدن و آموزش چند فرهنگی این نوع آموزش را تلاشی برای رها ساختن کودک از محدودیت‌های قوم‌مدارانه و آگاه کردن او از وجود فرهنگ‌ها، جوامع و راه‌های زندگی و تفکر دیگران دانسته است و معتقد است تربیت کودکان در جهت ایجاد نگرش مثبت به فرهنگ‌های گوناگون و پذیرش تفاوت‌های موجود بین افراد زیر بنای فلسفی برنامه‌ی این آموزش را تشکیل می‌دهد. او به موارد زیر به مثابه‌ی اهداف آموزش چند فرهنگی اشاره کرده است: آموزش احترام و ارزش گذاشتن به فرهنگ دیگران مانند فرهنگ خودی، کمک به کودکان به منظور تبدیل آنها به افرادی مولد و کار آمد در جامعه‌ی چند فرهنگی آینده، کمک به گسترش خود پنداره‌ی مثبت در کودکانی که بیش از بقیه در معرض تبعیض قرار دارند، افزایش دانش شاگردان در مورد فرهنگ‌های دیگر، تقویت ارتباطات بین فرهنگی و درون فرهنگی. در این رابطه مهرعلیزاده (۱۳۸۰) در خصوص تأثیر جهانی شدن معتقد است که بر اثر جهانی شدن، اقتصاد به سمت ناهمسانی و چند قطبی شدن گام برداشته و آموزش و پرورش و کارآموزی در وجوه مختلف با چالش مواجه شده است.

مطالعات دیگر به بررسی ابعاد برنامه‌ی درسی مبتنی بر جهانی شدن پرداخته‌اند. به عنوان مثال جاویدی و عالی (۱۳۸۷) به تبیین مفاهیم زمان و مکان در دیدگاه‌های فلسفی سنتی و معاصر، کریمی (۱۳۸۲) ضرورت توجه به ضرورت‌های محلی، ملی و بین‌المللی در برنامه‌ی درسی، فراهانی (۱۳۸۴) به طراحی چارچوبی برای آموزش شهروندی با رویکرد جهانی در سه حیظه‌ی دانش و فهم، مهارت‌ها و ارزش، ۲۶ مؤلفه را برای آموزش شهروندی در نظر گرفته

است. مؤلفه‌ها مواردی نظیر آگاهی از نقش شهروندان در سطح بین‌المللی، علاقمندی به حقوق انسانی، داشتن روحیه‌ی قانون‌مداری و توانایی همکاری و مشارکت با دیگران را شامل می‌شود. قاسمی و پور شافعی (۱۳۸۷) به تبیین فلسفی پست مدرنیسم اعم از مبانی فلسفی آن در زمینه‌های متافیزیک، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی و نیز استخراج مضامین تربیتی آن در ابعاد گوناگون چون اهداف تربیت و رابطه‌ی معلم و شاگرد، روش‌های یاد‌دهی-یادگیری و برنامه‌ی درسی می‌پردازند.

گروه دیگری از محققان (مهر علی‌زاده و صفایی مقدم، ۱۳۸۷ و صائمی، ۱۳۸۷) نظریه‌های جهانی شدن در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را مورد بررسی قرار داده‌اند و سپس تأثیر این پدیده را بر آموزش و پرورش و همچنین برنامه‌های درسی مورد مطالعه قرار داده‌اند و به این نتیجه دست یافتند که اگر دانش‌آموزان نسبت به رویکردهای نظام جهانی آشنایی لازم را نداشته باشند راهی جز تبعیت از مبادلات نابرابر فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را نخواهند داشت. از این‌رو مسئولان نظام آموزشی باید با شناسایی کاستی‌ها به برنامه‌ریزی، نظارت و ارزشیابی دقیق بپردازند. در این زمینه نتایج مطالعه‌ی مهر علی‌زاده و صفایی مقدم (۱۳۸۷) در خصوص سه نظریه‌ی نظام جهانی، سیاست جهانی و فرهنگ جهانی نشان داد جهت‌گیری نظام آموزشی به سمت جریان‌یابی از تکثرگرایی، چند مهارتی شدن نیروی کار، توجه به خرده فرهنگ‌ها و تفکر انتقادی پیش می‌رود.

در مطالعات خارج از کشور اندرسون^۱ (۱۹۹۴) با اشاره به این امر که دانش‌آموزان در دنیایی هر چه بیش‌تر در هم تنیده و به هم پیوسته بزرگ می‌شوند، می‌نویسد که تعلیم و تربیت در قرن بیست و یکم، باید همه‌ی کودکان را آماده سازد تا خود را در مقام ساکنان سیاره‌ی زمین و شهروندان جامعه‌ی چند فرهنگی در نظر بگیرند تا بتوانند زندگی را در این سیاره پاس دارند و با چالش‌های جهانی نوع بشر مواجه شوند. پایک و سلبی^۲ (۲۰۰۰) مفاهیم کلیدی برنامه‌های درسی را ارائه داده‌اند که حول محور قضایا یا مسائل جهانی و در جهت پاسخ‌گویی به چالش‌های عصر جدید شکل گرفته است. آن‌ها به آموزش توسعه، آموزش محیطی، آموزش

1- Anderson

2- Pike & sellby

حقوق بشر، آموزش برابری، آموزش انسانی (با تکیه بر رعایت حقوق حیوانات)، آموزش شهروندی و آموزش رسانه‌ها پرداخته و مؤلفه‌های هر یک از مفاهیم را مشخص کرده‌اند.

کوگبرن^۱ (۲۰۰۳) جهانی شدن را به عنوان پدیده‌ای خیلی واقعی قلمداد کرده که سیستم اقتصاد جهانی را که شامل تولید، توزیع و دیگر فرایندهای تجاری و بازرگانی می‌شود را تغییر می‌دهد و در آن دلالت‌های جهانی شدن مورد بررسی قرار گرفته است و یک مدل برای آموزش و پرورش ارائه کرده است. در این مدل تعلیم و تربیت جهانی چهار بعد دارد؛ بعد اول آن بعد فضایی است که وابستگی به یکدیگر را گوشزد می‌کند. بعد دوم موضوعات است که منظور آن است که هر برنامه‌ی درسی مرتبط با نیازهای دانش آموزان، موضوعات متعددی را در بر می‌گیرد. بعد سوم بعد زمانی است که مراحل زمانی تعاملی هستند. به عبارت دیگر تفکرات و اعمال ما تنها با تجربه و فهم ما از گذشته شکل داده نمی‌شود، بلکه تصورات و آرزوهای ما از آینده نیز باید مورد توجه قرار گیرد. بعد چهارم بعد درونی است که در مرکز این مدل واقع شده است. در این بعد، تعلیم و تربیت همانند یک سفری می‌باشد که دو راه دارد. بدین صورت که دانش آموزان در راه سفر درونی، در راه کشف جهان زندگی خود، راهنمایی می‌شوند و در راه سفر بیرونی، فهم‌شان از خود و نیروی درونی بالقوه‌ی آنان بالا می‌رود.

مکدونالد و هورست^۲ (۲۰۰۷) بر این نکته تأکید دارند که با توجه به جهانی شدن لزوم تغییر در آموزش عالی افریقای جنوبی احساس می‌شود. بنابراین باید جهت ایجاد تغییرات مطلوب در آموزش عالی افریقای جنوبی اصول و مفاهیم اساسی برنامه‌ی درسی مورد بازسازی قرار گیرند. برای حل مسائل آموزشی آینده باید به مفاهیمی مانند ترتیب برنامه‌ی درسی، جهانی شدن و ضمانت کیفیت برنامه‌ی درسی توجه شود. معیار تجدید نظر در برنامه‌ی درسی در این تحقیق ایجاد انگیزه، ایجاد روحیه‌ی جستجوگری و ایجاد تفکر نقاد می‌باشد.

به هر حال، همان‌گونه که مهرعلی‌زاده (۱۳۸۳) اشاره داشته است نتایج بررسی‌های فوق بیانگر نوسان دیدگاه‌ها و نظریه‌ها در خصوص تنوع و تگثرگرایی نوینی است که در حوزه‌ی برنامه‌ریزی درسی و هدف‌گذاری آموزشی و درسی در حال شکل‌گیری است.

1- Cogburn

2- McDonald & Horst

هدف‌های تحقیق

هدف کلی این تحقیق بررسی مبانی نظری سه نظریه‌ی مهم (نظام جهانی، سیاست جهانی و فرهنگ جهانی) و تأثیر آن بر اهداف برنامه‌ی درسی نظام آموزش و پرورش ایران است. در ارتباط با این هدف کلی، اهداف جزئی زیر مطرح می‌شوند:

- ۱- مشخص کردن مبانی نظری نظریه‌های نظام جهانی، سیاست جهانی و فرهنگ جهانی.
- ۲- صورت‌بندی اهداف برنامه‌ی درسی در پرتو نظریه‌های نظام جهانی، سیاست جهانی و فرهنگ جهانی.
- ۳- مقایسه‌ی اهداف برنامه‌ی درسی سه نظریه‌ی نظام جهانی، سیاست جهانی و فرهنگ جهانی با اهداف برنامه‌ی درسی ایران.

سؤال‌های تحقیق

- ۱- مبانی نظری سه نظریه‌ی (نظام جهانی، سیاست جهانی و فرهنگ جهانی) چیست؟
- ۲- اهداف برنامه‌ی درسی در پرتو سه نظریه‌ی فوق کدامند؟
- ۳- بین اهداف برنامه‌ی درسی مستخرج از نظریه‌ی نظام جهانی، سیاست جهانی و فرهنگ جهانی و اهداف برنامه‌ی درسی ایران چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد؟

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق

برای انجام پژوهش حاضر از روش کیفی از نوع سندی-تحلیلی استفاده شده است. انتخاب روش مذکور در پژوهش بر این اساس صورت می‌گیرد که به جهت استخراج مبانی فکری-نظری سه نظریه‌ی مهم (نظام جهانی، سیاست جهانی و فرهنگ جهانی) و تأثیر آن بر اهداف برنامه‌ی درسی نظام آموزش و پرورش ایران باید:

- ۱- منابع مکتوب، اعم از مقالات و دیگر آثار والراشتاین (نظریه‌ی نظام جهانی)، مایر و بولی (نظریه‌ی سیاست جهانی) و رابرتسون (نظریه‌ی فرهنگ جهانی) بررسی شده است. بدین منظور سعی بر این است که نخست با مطالعه‌ی منابع گوناگون موجود در زمینه‌ی جهانی شدن (کتاب، مجلات، نشریه‌ها، اینترنت و نمایه‌ها) مفهوم و تاریخچه‌ی آن روشن گردد و ابعاد

جهانی شدن در زمینه‌ی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و فناوری مورد بررسی قرار گیرد.

۲- در گام بعد با بررسی نظریه‌های مطرح در این زمینه (نظام جهانی، فرهنگ و سیاست جهانی) مبانی نظری این نظریه‌ها مشخص می‌گردد. بازتاب هر نظریه در حوزه‌ی برنامه‌ریزی درسی و هدف‌گذاری درسی تفسیر و تحلیل شده است.

۳- سپس در مرحله‌ی بعدی به بررسی مفهوم، تاریخچه‌ی برنامه‌ی درسی و صورت‌بندی اهداف برنامه‌ی درسی در پرتو این نظریه‌ها پرداخته می‌شود و سرانجام در مرحله‌ی پایانی و با توجه به آنچه در گام‌های قبل به آن اشاره شده به مشخص کردن نحوه‌ی تأثیر پدیده‌ی جهانی شدن در هدف‌گذاری برنامه‌ی درسی نظام آموزش و پرورش ایران و معرفی فرصت و تهدیدهای ایجاد شده برای برنامه‌ی درسی پرداخته می‌شود. آنگاه در پایان استلزامات و دلالت‌های تربیتی سه نظریه بر اهداف برنامه‌ی درسی نظام آموزش و پرورش ایران بررسی شده است.

نحوه‌ی استخراج اطلاعات از اسناد مطالعه شده؛ استخراج اطلاعات از اسناد در ارتباط با استلزامات و دلالت‌های تربیتی سه نظریه بر اهداف برنامه‌ی درسی نظام آموزش و پرورش ایران، به دو صورت انجام شده است.

۱- استخراج ویژگی‌ها با توجه به اشارات مستقیم، در بررسی هر یک از اسناد مورد مطالعه، کلمات، جملات و عباراتی وجود داشت که مستقیماً به ویژگی‌های مورد نظر اشاره می‌کرد.

۲- استخراج ویژگی‌ها با توجه به اشارات غیر مستقیم (مواردی که به صورت استنباطی عمل شد). جهت استفاده از این شیوه برای استخراج ویژگی‌ها با همکاران طرح بحث و تبادل نظر شد و در نهایت معیارهایی برای استخراج ویژگی‌ها با توجه به اشارات غیر مستقیم به شرح ذیل مبنای کار قرار گرفت.

الف) عبارات یا جملاتی که خواسته‌ی معینی در ارتباط با اهداف برنامه‌ی درسی نظام آموزش و پرورش مطرح کند.

ب) عبارات یا جملاتی که مشکل یا آسیب معینی در رابطه با اهداف برنامه‌ی درسی نظام آموزش و پرورش مطرح کند.

ج) عبارات یا جملاتی که فقدان یا کمبود اساسی در مورد اهداف برنامه‌ی درسی نظام

آموزش و پرورش مطرح کند.

د) عبارات یا جملاتی که ضرورت چیزی در ارتباط با اهداف برنامه‌ی درسی نظام آموزش و پرورش را معین کند.

ه) عبارات یا جملاتی که جهت‌گیری معینی را مشخص کند.

و) جملاتی که به صورت هدف بیان شده باشد.

ساختار طبقه‌بندی تأثیرات سه نظریه بر اهداف برنامه‌ی درسی

با عنایت به ماهیت طرح پژوهشی، دو رویکرد متفاوت را می‌توان برای دسته‌بندی ویژگی‌های مختلف و تأثیرات سه نظریه بر اهداف برنامه‌ی درسی نظام آموزش و پرورش مورد استفاده قرار داد. در رویکرد اول طبقه‌بندی خاصی را از بین طبقه‌بندی‌های مختلف ارائه شده در تعلیم و تربیت، پذیرفته و بر مبنای آن ویژگی‌ها و صلاحیت‌های استخراج شده را دسته‌بندی نمائیم. در رویکرد دوم باور بر این است که هر بستر یا مطالعه‌ی معین، طبقه‌بندی معینی را دنبال می‌کند. به عبارت روشن‌تر هر طبقه‌بندی خود دارای فلسفه و مبنای معینی است.

از این‌رو در مطالعه‌ی حاضر باید طبقه‌بندی ویژه‌ای عرضه شود و در آن مؤلفه‌های عمده‌ی شکل‌دهنده‌ی این ساختار طبقه‌بندی عرضه شود. در این خصوص، با توجه به تفاوت عمده‌ی طرح پژوهشی حاضر مکانیزم دستیابی به ساختار طبقه‌بندی در طرح حاضر با استفاده از معیارها و مؤلفه‌ها و رویکرد استقرایی بوده است. در واقع بر اساس روش تحقیق کیفی، پژوهش حاضر و زیرطرح‌های پژوهشی آن اساساً با نوعی نگاه استقرایی به موضوع سازمان یافته بودند که در آن یکایک اسناد، مدارک، مصوبات و ... مورد بررسی قرار گرفت و بر مبنای این بررسی‌ها، ویژگی‌های عمده شناسایی شدند. این رویکرد در ساختار طبقه‌بندی نیز مورد تأکید قرار گرفت. به عبارت روشن‌تر طبقه‌بندی مورد نظر از طریق مفهوم‌پردازی^۱ ویژگی‌ها و صلاحیت‌های استخراج شده در مطالعات مختلف به دست آمده است. بنابراین رویکرد عمده در دستیابی به نظام طبقه‌بندی در طرح حاضر، رویکرد استقرایی یا حرکت از جزء به کل بوده است.

1- Conceptualization

ارتباط سه نظریه‌ی جهانی شدن با اهداف برنامه درسی

در نظریه‌ی نظام جهانی، والراشتاین معتقد است شناخت واقعیت‌های اجتماعی از طریق بررسی زیرساخت‌های اقتصادی شدنی است و شناخت زیرساخت‌های اقتصادی جز از طریق شناخت یک نظام جهانی امکان‌پذیر نیست. بر این اساس نظام جهانی تنها نظام کامل و فراگیر اجتماعی است که ساختارهای به هم پیوسته و مکمل اجتماعی - اقتصادی و سیاسی در درون آن قرار داشته و در حال تعاملند. این نظام از سه بخش جوامع مرکز، پیرامون و نیمه پیرامون حاصل شده است که این سه بخش نظام جهانی سرمایه‌داری، مانند یک زنجیره به هم پیوند دارند و تمامی تحولات آنها به هم وابسته است. بنابراین در این نگرش، جهانی شدن چیزی جز گسترش نظام اقتصادی سرمایه‌داری نیست.

در نظریه‌ی سیاست جهانی، جهانی شدن پدیده‌ی جدیدی است که به جای وجود یک کنشگر اصلی فرهنگ جامعه‌ی جهانی مسئولیت و قدرت کنش‌گری را به دولت-ملت واگذار می‌کند. در این نظریه سیاست، مجموعه‌ی منظمی از آفرینش‌های ارزشی است که از طریق انتقال دسته جمعی قدرت شکل می‌گیرد و مشتمل بر مجموعه‌ای از قواعد و چارچوب‌ها یا الگوهاست و کنش‌گران در این نظام بر اساس هنجارها دارای هویت ساختماندهنده و با انگیزه هستند.

در نظریه‌ی فرهنگ جهانی، رابرتسون که در میان نظریه‌پردازان این بخش جایگاه ویژه‌ای دارد سعی نموده که جهانی شدن را بر خلاف نظریه‌پردازان نظریه‌های قبل در خدمت یک ایدئولوژی یا گرایش اقتصادی - سیاسی خاصی قرار دهد بلکه کوشیده با نظریه‌پردازی در این زمینه شیوه‌ی فهم متفاوتی را در مورد پدیده‌های (سیاسی - اجتماعی) به وجود آورد. در دیدگاه وی دانش اجتماعی در درون اوج‌گیری جهانی شدن تغییر ماهیت داده و همان‌طور که تحول اساسی در بنیاد پدیده‌های اجتماعی رخ داده در جوهر فهم و آگاهی نسبت به جهانی نیز تغییر داده شده است. فرهنگ در این نظریه در کانون تحولات جهانی قرار دارد و فرهنگ را توجه به یک بعد زندگی بشریت نمی‌داند، بلکه فرهنگ هم نشانه‌ی جهانی شدن است و هم گامی برای فهم بهتر و بیش‌تر آن. این فرهنگ جهانی در حال ظهور دارای ویژگی‌هایی از قبیل نسبی‌گرایی، همسانی، محلی‌سازی، روابط جهانی و مجادله‌ی فکری است و در کنار هم

قرار گرفتن این عناصر، فرهنگ متمایزی ایجاد می‌کند که دارای ماهیت و خصوصیات تازه‌ای است.

اما این سه نظریه، برنامه‌ی درسی را که به عنوان قلب فعالیت‌های آموزشی و پرورشی مطرح است به چالش فرا خوانده است. پیامدهای این سه نظریه بر برنامه‌ی درسی از طریق تحلیل اهداف که یکی از عناصر اساسی تشکیل دهنده‌ی آن است در ادامه به بحث گذاشته شده است.

جدول ۱. مقایسه‌ی اهداف برنامه‌ی درسی نظریه‌ی نظام جهانی با اهداف برنامه‌ی درسی آموزش و پرورش ایران

| اهداف کلی برنامه‌ی درسی نظام آموزشی ایران | اهداف برنامه‌ی درسی در پرتو نظریه‌ی نظام جهانی | اصول و مبانی نظریه‌ی نظام جهانی |
|---|--|---|
| - پرورش روحیه‌ی نظم و انضباط - پرورش روحیه‌ی مشارکت و مسئولیت‌پذیری در فعالیت‌ها | تأکید بر پذیرش و توسعه‌ی نظم‌پذیری در برنامه‌ی درسی به دلیل نیاز بازار کار به افراد مسئولیت‌پذیر | جهانی شدن نظامی سازمان یافته به وسیله‌ی سرمایه داری جهانی برای حفظ قدرت و سرمایه است |
| - شناخت قوانین طبیعت - ترویج زبان و خط فارسی - ترویج قرآن و معارف اسلامی - توسعه‌ی علوم و فنون و مهارت‌ها - شناخت هنرهای اسلامی و ایران | تأکید بر برنامه‌ی درسی موضوع محور | ساختار نظام جهانی مشتمل بر تقسیم کار جهانی است (تفکیک علوم به دسته‌های مجزا) |
| _____ | تأکید بر خصوصی‌سازی مدارس و برنامه‌ی درسی | حاکمیت بازار بر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی (حاکمیت اصل عرضه و تقاضا بر نظام آموزشی) |
| - تقویت روحیه‌ی مبارزه با بهره‌کشی اقتصادی و مشاغل خلاف مصالح جامعه‌ی اسلام - پرورش روحیه‌ی عمل به احکام اقتصادی اسلام در ساده‌زیستی - شناخت ارزش و قداست کار حلال و نفی سلطه‌پذیری | - تأکید بر سلطه‌ی نظام سرمایه‌داری بر نظام آموزشی - سود دهی اقتصادی | روابط قدرتی حاکم و محکوم (شکاف بین طبقات فقیر و غنی و بهره‌کشی اقتصادی) |

اثرات این سه نظریه بر اهداف برنامه‌ی درسی در کشورهای مختلف با توجه به شرایط و مقتضیات آنها متفاوت است. اما با توجه به این‌که این پژوهش در صدد بود تا اثرات این سه نظریه را در کشور ایران بررسی کند و مشخص سازد اهداف برنامه‌ی درسی در پرتو این سه نظریه چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با اهداف برنامه‌ی درسی ایران داشته و چه فرصت‌ها و تهدیدهایی برای نظام آموزشی ما ایجاد کرده‌اند، به مقایسه‌ی اهداف برنامه‌ی درسی این سه نظریه با اهداف برنامه‌ی درسی ایران پرداخته می‌شود.

نظریه‌ی نظام جهانی

با مقایسه‌ی اهداف نظریه‌ی نظام جهانی و اهداف برنامه‌ی درسی نظام آموزش و پرورش ایران مشخص شد که این نظریه با تأکید بر رعایت نظم و انضباط در فعالیت‌ها و تأکید بر برنامه‌ی درسی موضوع محور با اهداف اخلاقی و علمی برنامه‌ی درسی ایران شباهت دارد، اما تفاوت اهداف برنامه‌ی درسی در پرتو این نظریه با اهداف برنامه‌ی درسی ایران در توجه به فعالیت بخش خصوصی در زمینه‌ی آموزش و بهره‌کشی اقتصادی بود. برخی از این شباهت‌ها و تفاوت‌ها برای برنامه‌ی درسی ایران فرصت‌ها و تهدیدهایی ایجاد می‌کند؛ به عنوان مثال در این نظریه، فعالیت بخش خصوصی می‌تواند به عنوان یک فرصت مناسب برای نظام آموزشی و برنامه‌ی درسی ایران، مطرح شود. چون امروزه گرایش دنیای اقتصاد و تجارت آن است که برنامه‌ی درسی به گونه‌ای برنامه‌ریزی و اجرا شود که منجر به تولید کارگران و کارمندان با مهارت کافی شود. فعالیت بخش خصوصی باعث کاهش هزینه‌های دولت در این زمینه و ایجاد حالت انعطاف‌پذیری بیش‌تر در برنامه‌ی درسی و پاسخ‌گویی سریع‌تر به نیاز بازار می‌گردد. اما تهدید این نظریه برای برنامه‌ی درسی ایران تأکید است که بر برنامه‌ی درسی موضوع محور، سوددهی همراه با بهره‌کشی اقتصادی بر خلاف اصول و موازین اسلامی و عدم تحقق عدالت در توزیع دانش دارد.

برنامه‌ی درسی موضوع محور سال‌هاست که در نظام آموزشی و برنامه‌ی درسی ایران مورد توجه است و به نظر نمی‌رسد امروزه با پیشرفت‌های بزرگی که در دانش برنامه‌ریزی درسی، روان‌شناسی پرورشی و فناوری ایجاد شده است این برنامه کارایی زیادی داشته باشد؛ زیرا تأکید بر برنامه‌ی درسی موضوع محور باعث کاهش تنوع در فرصت‌های یادگیری، کاهش تلفیق

در برنامه‌ی درسی، عدم جذابیت در برنامه‌ی درسی و در هم آمیختن آن با زندگی است (خلخال، ۱۳۸۱).

اما در زمینه‌ی تأکید بر سوددهی و بهره‌کشی اقتصادی، این هدف تا حدودی می‌تواند در برنامه‌ی درسی ایران مطرح باشد و با اهداف اقتصادی نظام آموزشی ما همخوانی داشته باشد که باعث زیر پا گذاشتن بسیاری از اصول اخلاقی- اعتقادی ما نشود. اگر سوددهی اقتصادی با بهره‌کشی همراه باشد باعث رشد تجمل‌گرایی، فردگرایی، از بین رفتن روحیه‌ی ساده‌زیستی، مصرف‌گرایی و ... می‌شود. همچنین ممکن است اموری مانند انفاق، زکات، خمس و صدقه به فراموشی سپرده شود که این موارد چیزی جز زیان و ضرر برای نظام آموزشی و برنامه‌ی درسی موجود ایران، که داعیه‌ی پرورش انسان متعهد به اصول اخلاقی- اسلامی را دارد، ندارد.

نظریه‌ی سیاست جهانی

جدول ۲. مقایسه‌ی اهداف برنامه‌ی درسی نظریه‌ی سیاست جهانی با اهداف برنامه‌ی درسی ایران

| اهداف برنامه‌ی درسی نظام آموزشی و پرورش ایران | اهداف برنامه‌ی درسی نظریه‌ی سیاست جهانی | مبانی نظریه‌ی سیاست جهانی |
|---|---|--|
| _____ | - تمرکز زدایی در نظام آموزشی و برنامه‌ی درسی - تأکید بر ارزش‌های رقابت محوری بین‌المللی در برنامه‌ی درسی | جهانی شدن پدیده‌ای جدید است که به جای وجود یک کنش‌گر اصلی، فرهنگ جامعه‌ی جهانی مسئولیت و قدرت کنش‌گری را به دولت- ملت واگذار کرده است. |
| - مهارت‌بخشی و ایجاد آمادگی و علاقه جهت اشتغال مولد در بخش کشاورزی، صنعت و خدمات - شناخت حرفه، مشاغل مولد جهت افزایش درآمد ملی، رفع بیکاری و وابستگی اقتصادی | تأکید بر مهارت‌های آموزشی بر اساس استانداردهای فنی و حرفه‌ای و بین‌المللی | به دلیل فشار ناشی از فرهنگ جهانی برای همسان‌سازی نظام‌های زندگی دولت- ملت ناگزیر می‌گردد تا اشکال سازمانی، نظام‌های آموزشی، محیط زیست و حقوق بشر و مانند آن را پذیرا باشد. |

این نظریه شباهت و تفاوت‌هایی با اهداف برنامه‌ی درسی ایران دارد. شباهت این نظریه با اهداف برنامه‌ی درسی ایران تأکیدی است که این نظریه بر یادگیری مهارت‌های آموزشی بر

اساس استانداردهای فنی و حرفه‌ای دارد، اما تفاوت اهداف نظریه‌ی سیاست جهانی با اهداف برنامه‌ی درسی ایران توجهی است که بر تمرکززدایی دارد.

با بررسی‌های انجام شده در این پژوهش مشخص شد که تمرکزگرایی، عدم انعطاف‌پذیری، حالت عمومی و یکنواختی در کار برنامه‌ی درسی و حفظ وضعیت موجود، برنامه‌ی درسی مقاوم در مقابل نفوذ معلم، تجویزی و بسته به روی نوآوری، بی‌توجه به طراحی فرصت‌های یادگیری مناسب در مدرسه و ناتوان در ایجاد زمینه‌ی مشارکت واقعی معلمان و مدارس در تجدید نظر و تحول برنامه‌ی درسی و اعتلای یادگیری‌های دانش‌آموزان سال‌هاست که در نظام آموزشی و برنامه‌ی درسی ایران مشاهده می‌شود. این نظریه با تأکیدی که بر تمرکززدایی دارد فرصتی مناسب را جهت ایجاد تحولات اساسی در برنامه‌ی درسی متمرکز ایران، رفع مشکلات و عقب ماندگی‌های مشهود آن فراهم می‌آورد (سلسبیلی، ۱۳۸۶).

نظریه‌ی فرهنگ جهانی

با مقایسه‌ی اهداف برنامه‌ی درسی در پرتو نظریه‌ی فرهنگ جهانی با اهداف برنامه‌ی درسی ایران به این نتیجه می‌رسیم که اهداف این نظریه در ۷ مورد که شامل: توجه به سطوح بالای اهداف حیطه‌ی شناختی و عاطفی، تأکید بر آموزش مداوم، توجه به تفاوت‌ها، خرده فرهنگ‌ها، تأکید بر ارزش‌های ملی- بومی و همزیستی مسالمت‌آمیز می‌باشد با اهداف آموزشی- علمی، اخلاقی و فرهنگی ما شباهت دارد و جهانی شدن با تأکید بر این اهداف می‌تواند فرصتی مناسب جهت توجه بیش از پیش به این اهداف در عمل فراهم آورد؛ زیرا برخی از این اهداف از قبیل ضرورت توجه به هویت ملی (شیخاوندی و منادی، ۱۳۸۳) و (صالحی عمران، ۱۳۸۶)، توجه به صلح (هاشمی، ۱۳۸۷)، توجه به آموزش مادام‌العمر (صباغیان، ۱۳۷۵) و تأکید بر خرده فرهنگ‌ها (هاشمی، ۱۳۸۷) علی‌رغم این‌که در اهداف نظام آموزشی ما مطرح هستند در برنامه‌ی درسی مدارس و کتاب‌های درسی به آن‌ها کم‌تر توجه شده است.

اما تفاوت اهداف نظریه‌ی فرهنگ جهانی با اهداف برنامه‌ی درسی ایران در توجه به رویکرد کل‌گرایانه می‌باشد که توجه به این رویکرد در اهداف برنامه‌ی درسی ایران مشاهده نشد. با توجه به فواید ذکر شده برای برنامه‌ی درسی تلفیقی از قبیل: تقویت انتقال یادگیری،

جدول ۳. مقایسه‌ی اهداف برنامه‌ی درسی نظریه‌ی فرهنگ جهانی با اهداف برنامه‌ی درسی ایران

| اهداف برنامه‌ی درسی ایران | اهداف برنامه‌ی درسی نظریه‌ی فرهنگ جهانی | مبانی نظریه‌ی فرهنگ جهانی |
|--|--|---|
| - پرورش روحیه‌ی احترام به شخصیت افراد مختلف و مراعات حقوق مادی و معنوی آنان - شناخت تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلام و جهان با تأکید بر فرهنگ معاصر | تأکید و توجه به خرده فرهنگ‌ها، کثرت‌گرایی | ۱ جهانی شدن پدیده‌ای فرهنگی و نو است و دولت-ملت، فردیت، نظام جهانی و انسانیت جنبه‌ی نسبی می‌یابد. |
| - شناخت اسرار جهان آفرینش و قوانین طبیعت به منظور پیشبرد دانش و معرفت بشری | توجه به یکپارچگی مفهوم میان علوم و برنامه‌ی درسی تلفیقی | ۲ همسانی (حاکم شدن روح کلیت فرهنگی در تحلیل مسائل) |
| - پرورش روحیه‌ی تعلیم و تربیت مستمر | تأکید بر آموزش مادام‌العمر | ۳ نسبت‌گرایی (نسبی نگریستن به نظام آموزشی) |
| - شناخت ادب فارسی به عنوان جلوه‌گاه ذوق و هنر و مظهر وحدت ملی و اجتماعی کشور - شناخت فرهنگ و ادب و سنن مطلوب جامعه‌ی اسلامی - شناخت تاریخ و فرهنگ تمدن ایران - ترویج زبان و خط فارسی به عنوان زبان رسمی مشترک مردم ایران - پرورش روحیه‌ی حراست از اموال عمومی و ثروت‌های ملی | تأکید بر ارزش‌های ملی و بومی در برنامه‌ی درسی | ۴ محلی‌سازی (تأکید بر ارزش‌های محلی) |
| - پرورش روحیه‌ی اعتماد به نفس و استقلال شخصیت - شناخت فرهنگ و آداب و سنن ایرانی و اسلامی (هویت ملی و دینی) - پرورش روحیه مقاومت در برابر تبلیغات سوء | تأکید به هویت و عزت نفس یادگیرنده | ۵ محلی‌سازی (توجه به هویت و عزت افراد) |
| - پرورش متعادل عواطف انسانی و همزیستی مسالمت‌آمیز - پرورش سعه صدر و تحمل آراء دیگران در برخورد با اندیشه‌ها | تأکید بر همزیستی مسالمت‌آمیز | ۶ روابط جهانی |
| - شناخت پرورش و هدایت استعداد‌های افراد در جهت اعتلای فرد و جامعه - مهارت‌بخشی و ایجاد آمادگی و علاقه‌ی اشتغال مولد در بخش کشاورزی، صنعت و خدمات | پیشگام شدن برای تغییر- تأکید بر برنامه‌ی درسی نسبی و انعطاف‌پذیر، چند مهارتی شدن نیروی کار | ۷ پویایی درونی جهانی و پذیرش اصل تغییر در نظام آموزشی |

پرورش تفکر انتقادی در تدریس علوم مختلف و امکان برقراری ارتباط بهتر بین معلم و دانش‌آموز، این هدف می‌تواند برای نظام آموزشی و برنامه‌ی درسی ما که بیش‌تر برنامه‌ریزان و مؤلفان آن تعهد کمی نسبت به فلسفه‌ی کل‌نگری و دیدگاه میان‌رشته‌ای دارند، به عنوان فرصتی جدید مطرح باشد (خلخالی، ۱۳۸۱).

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش با سه نظریه (نظام جهانی، سیاست جهانی و فرهنگ جهانی) و فرصت‌ها و تهدیدات این سه نظریه بر اهداف برنامه‌ی درسی ایران آشنا شدیم. فرصت‌های این سه نظریه برای اهداف برنامه‌ی درسی بیش از تهدیدها بود، اما توجه به این نکته نیز قابل ذکر است که نباید به این فرصت‌ها و پیامدها به گونه‌ای کاملاً سلبی و یا ایجابی نگریست. بلکه باید این پیامدها را مورد ارزیابی و تحلیل دقیق‌تری قرار داد و ابعاد آن را بهتر شناخت تا بتوان در زمینه‌ی برنامه‌ی درسی نوآوری‌هایی ایجاد کرد. اولین گام برای نوآوری هم این است که بینیم جامعه‌ی ما به کدام ویژگی‌های جسمانی، عقلانی و عاطفی یا به قول بلوم ویژگی‌های شناختی، عاطفی و رفتاری با توجه به پیشرفت‌ها و تحولات جهانی نیاز دارد تا بتواند در زمان حال و آینده اهداف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود را از طریق سیاست‌گذاری‌هایی که در نظام آموزشی و برنامه‌ی درسی می‌کند، تحقق بخشد. این کاری است که با توجه بیش‌تر به شرایط و مقتضیات کشور و همکاری و مشارکت صاحب نظران، برنامه‌ریزان و دانشمندان رشته‌هایی مانند اقتصاد، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و متخصصان علوم تربیتی به ویژه آنان که علاوه بر دانش آموزش و پرورش، به معنای تجربی آن با فلسفه و فلسفیدن در این عرصه آشنایی عمیق دارند قابل انجام است. امید است که بتوان با اتخاذ تدابیر به موقع و مناسب از فرصت‌ها بهره‌ی کافی برد و تهدیدات ایجاد شده را کاهش داد و به فرصت تبدیل کرد.

پیشنهاد‌های تحقیق

با توجه به این‌که در این پژوهش مشخص شد که سه نظریه‌ی مطرح جهانی شدن اثرات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بلاواسطه‌ای بر اهداف برنامه‌ی درسی نظام آموزشی ما دارند پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران آموزشی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی

آموزش و پرورش در برنامه‌ی درسی تجدید نظر کرده و به تدوین قوانینی سازگار با چالش‌های جهانی مطابق با اهداف مطرح شده یاری رسانند. چرا که نسل جدید نیازمند زیست در دنیای به شدت متغیر و فناورانه است که این آمادگی باید از طریق مدارس و برنامه‌ی درسی ایجاد شود. در راستای تدارک و تحقق چنین برنامه‌ای توجه به چند نکته پیشنهاد می‌شود:

- بازنگری مجدد در اهداف برنامه‌ی درسی سستی مدارس و توجه بیشتر به خصوصی‌سازی و تمرکززدایی در برنامه‌ی درسی.
- شناساندن فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های ناب و ملی با بهره‌گیری از روش‌های نوین اطلاع رسانی.
- تأکید بیشتر بر رویکرد تلفیقی (چند موضوعی، بین موضوعی) در سازماندهی اهداف برنامه‌ی درسی.
- بررسی تطبیقی برنامه‌ی درسی با رویکردهای مختلف (اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی) در کشورهای مختلف و بهره‌گیری از تجارب این کشورها.

محدودیت‌های تحقیق

این پژوهش مانند هر پژوهش دیگری با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- گسترده بودن قلمرو پژوهش: پژوهش حاضر در دو حوزه‌ی جهانی شدن و برنامه‌ی درسی صورت گرفت که قلمرو مطالعات هر مورد بسیار متنوع است. در حوزه‌ی جهانی شدن پژوهشگر با ابعاد مختلف این پدیده (جهانی شدن اقتصاد، سیاست و فرهنگ) سر و کار داشت که بحث و بررسی این ابعاد نیاز به داشتن درک کامل و دقیق، مطالعه‌ی گسترده در ابعاد ذکر شده و بررسی اثرات مختلف این ابعاد بر روی یکدیگر در جامعه، نظام آموزشی و برنامه‌ی درسی را داشت. در حوزه‌ی برنامه‌ی درسی نیز به علت تنوع حیطه‌های قابل بررسی و آشنا برای دست اندرکاران برنامه‌ی درسی به صورت اهداف برنامه‌ی درسی، طراحی برنامه‌ی درسی، ارزشیابی و اجرای برنامه‌ی درسی، راهبردهای یاددهی-یادگیری و سازماندهی محتوا و درهم تنیده بودن این حیطه‌ها تعیین مرز و حدود هر یک عملاً بسیار دشوار بود. به طور مثال اهداف برنامه‌ی درسی که مورد بررسی این پژوهش بود با سایر حیطه‌ها پیوند نزدیکی

داشت. از این رو پژوهشگر می‌بایست حیطه‌های دیگر را نیز تا حدودی مورد مطالعه قرار می‌داد و این کار باعث صرف وقت و زمان زیادی می‌شد.

۲- گسترده بودن اهداف برنامه‌ی درسی: اهداف برنامه‌ی درسی نظام آموزش و پرورش ایران متنوع بود و در ابعاد مختلف (اخلاقی، اعتقادی، اقتصادی، زیستی، سیاسی و فرهنگی) مطرح بود که هر کدام از این اهداف نیز دسته‌بندی‌های خاص خود را داشتند که بررسی اثرات جهانی شدن روی هر کدام از این دسته‌بندی‌ها (که خود می‌توانند به عنوان موضوع پژوهشی جدیدی مطرح باشند) نیاز به جمع‌آوری اطلاعات و مطالعات گسترده و عمیق در این زمینه‌ها داشت.

منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰). *جهانی شدن (چالش‌ها و ناامنی‌ها)*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- امین، سمیر (۱۹۷۹). *امپریالیسم و جهانی شدن در سوئیزی*. ترجمه‌ی ناصر زرافشان، ۱۳۸۰، تهران: آگه.
- امینی، بهنام (۱۳۸۳). تحلیل گفتمان مخالفان جهانی شدن در ایران. *فصلنامه‌ی مدیریت*، شماره‌ی ۳۲، ص ۶۰.
- جاویدی، طاهره و عالی، مرضیه (۱۳۸۷). بررسی هستی‌شناسی در عصر جهانی شدن و

دلالت‌های آن بر برنامه‌ی درسی. *مجموعه مقاله‌های هشتمین انجمن مطالعات برنامه‌ی درسی ایران، جهانی شدن و بومی ماندن برنامه‌ی درسی: چالش‌ها و فرصت‌ها*، چاپ اول، ص ۴۷۴.

جوادی، محمد جعفر (۱۳۷۹). آموزش و پرورش چند فرهنگی به عنوان یک رویکرد در آموزش. *فصل‌نامه‌ی تعلیم و تربیت*، شماره‌ی ۳، ص ۵۸.

خلخال، مرتضی (۱۳۸۱). آسیب‌شناسی نظام برنامه‌ریزی درسی ایران و راهبردهایی برای اصلاح آن. *همایش ملی مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش*، تهران: سوگند. رابرتسون، رولند (۱۹۹۲). *جهانی شدن؛ تئوری اجتماعی و فرهنگی جهانی*. ترجمه‌ی کمال پولادی، ۱۳۸۰، تهران: ثالث.

سجادی، سید مهدی (۱۳۸۲). جهانی شدن و پیامدهای چالش‌برانگیز آن برای تعلیم و تربیت. *مجله‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ۳ و ۴، ص ۱۱۳.

سلسبیلی، نادر (۱۳۸۶). گذار نظام برنامه‌ی درسی ایران به سمت عدم تمرکز در طراحی و تدوین برنامه‌ی درسی، با تأکید بر برنامه‌ی درسی مبتنی بر مدرسه. *فصل‌نامه‌ی مطالعات برنامه‌ی درسی سال اول*، شماره‌ی ۴، صص ۶۸-۴۹.

شایسته‌فر، عباس (۱۳۸۴). *اثرات جهانی شدن بر برنامه‌ی درسی*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی.

شولت، یان اوت (بی تا). *نگاهی موشکافانه بر پدیده‌ی جهانی شدن*. ترجمه‌ی مسعود کرباسیان (۱۳۸۲)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

شیخاوندی، داوود (۱۳۸۳). *بازتاب هویت اقوام ایرانی در کتاب درسی ابتدایی و راهنمایی*.

<http://fakouhi.Com>

صائمی، حسین (۱۳۸۷). جهانی شدن و برنامه‌ی درسی در ایران. *مجموعه مقاله‌های هشتمین انجمن مطالعات برنامه‌ی درسی ایران، جهانی شدن و بومی ماندن برنامه‌ی درسی: چالش‌ها و فرصت‌ها*، چاپ اول، ص ۱۹۹۹.

صالحی عمران، ابراهیم (۱۳۸۶). بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های

- درسی آموزش ابتدایی. *فصل‌نامه‌ی مطالعات ملی*، سال هشتم، شماره‌ی ۱، ص ۵۸. صباغیان، زهرا (۱۳۷۵). *روش‌های سوادآموزی بزرگسالان*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- عاملی، سعید (۱۳۸۳). *جهانی شدن، غربی شدن و اسلامی شدن جهان اسلامی*. تهران: انتشارات مجمع جهانی تقدیس مذاهب اسلامی.
- فراهانی، محسن (۱۳۸۴). *جهانی شدن و تربیت شهروندی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت*، تهران: وزارت امور خارجه.
- قاسمی، صغری و پورشافعی، هادی (۱۳۸۷). *تبیین فلسفی جهانی شدن و برنامه‌ی درسی. مجموعه مقاله‌های هشتمین انجمن مطالعات برنامه‌ی درسی ایران، جهانی شدن و بومی ماندن برنامه‌ی درسی: چالش‌ها و فرصت‌ها*، چاپ اول، ص ۷۳۹.
- کارنوی، مارتین (۱۹۹۹). *جهانی شدن و اطلاعات آموزشی*. ترجمه‌ی محمدحسن میرزا محمدی و محمدرضا فریدی، ۱۳۸۴، تهران: انتشارات یسطرون.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۲). *سازه‌های تربیت و دموکراسی*. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت. گیدنز، آنتونی (۱۹۹۰). *پیامدهای مدرنیته*. ترجمه‌ی محسن تلاشی، ۱۳۷۷، تهران: انتشارات مرکز.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۳). *جهانی شدن، دستگاه‌های فرهنگی و جوانان ایران. مجموعه مقالات نسبت آموزش پرورش با جهانی شدن*، تهران: پژوهشکده معلم.
- مهرعلی‌زاده، یدالله (۱۳۸۰). *جهانی شدن - فرصت‌ها و تهدیدها. فصل‌نامه‌ی مدیریت و توسعه*، شماره‌ی ۸.
- مهرعلی‌زاده، یداله (۱۳۸۴). *جهانی شدن، تغییرات سازمانی و برنامه‌ریزی توسعه‌ی منابع انسانی*، اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز.
- مهرعلی‌زاده، یداله (۱۳۸۳). *جهانی شدن و چالش‌های رویاروی نظام‌های آموزشی و کارآموزی و مهارت‌سازی کشور ایران*. اهواز: انتشارات رشش.
- مهرعلی‌زاده، یداله و صفایی مقدم، مسعود (۱۳۸۷). *بازتاب نظریه‌های جهانی شدن بر برنامه‌ی درسی. مجموعه مقاله‌های هشتمین انجمن مطالعات برنامه‌ی درسی ایران، جهانی شدن*

و بومی ماندن برنامه‌ی درسی: چالش‌ها و فرصت‌ها، چاپ اول، ص ۳۹.
 والراشتاین، امانوئل (۱۹۷۴). آمیزه نظام جهانی، سرمایه‌داری در دوره‌ی پس از جنگ سرد.
 ترجمه‌ی حمید احمدی، ۱۳۷۶، فصل‌نامه‌ی مرکز تحقیقات استراتژی راهبردی، شماره‌ی
 ۱۱۳، ص ۸۴
 هابرماس، یورگن (بی تا). نظریه‌ی کنش ارتباطی. ترجمه‌ی کمال پولادی، ۱۳۸۴، تهران:
 روزنامه ایران، مؤسسه‌ی انتشاراتی.
 هاشمی، سهیلا (۱۳۸۷). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی بر
 اساس مؤلفه‌های آموزش صلح. مجموعه مقاله‌های هشتمین انجمن مطالعات برنامه‌ی
 درسی ایران، جهانی شدن و بومی ماندن برنامه‌ی درسی: چالش‌ها و فرصت‌ها، چاپ
 اول، ص ۱۵۴۸.

- Anderson, A. (1994). *The Rational for A Global framework Global Ander standing*. London, Available :[http: faculty. Ed Uric](http://faculty.Ed Uric)>.
- Bacon, N., & kitschier, D. (2002). *The impact of Globalization on Higher Education*. Available: [www. Umbc. Edu](http://www.Umbc.Edu).
- Belderrain, G. (2000). *Education for social cohesion*. Argentina (Buenos Aires- OEA), 83 (4).
- Boli, J., & George, T. (1997). Word culture in the world polity. *American sociological Review*, 62 (2), 171-195.
- Cogburn, DL. (2003). *Globalization, knowledge age, Education and Training*: [www. Unesco. Org/wb world/ info ethics 2/ eng/ paper-23](http://www.Unesco.Org/wb/world/info/ethics/2/eng/paper-23).
- Giddens, A. (1990). *Consequences of modernity*. Cambridge: policy.
- Harvey, D. (1989). *The condition of post modernity*. oxford, Daniel Blake.
- Hendrix, G. (1998). Globalizing the curriculum. *Proquest education journals*. The clearing house: may 1998, 71 (5), 305.
- McDonald, R., & Horst, H. (2007). Curriculum a lignmed, globalization, and quality assurance in south African higher education. Available: [Http: // journal of curriculum studies](http://journalofcurriculumstudies).
- McLuhan, M. (1988). *The Global rill age: Transformation in world life and medium in 21 century*. Oxford university press.
- Meyer, j. (1980). *The word polity and the Authority of the nation-*

state. Pp. 109-137 in A. Bergeson (ed), studies of the modern world-system new York: Academic press.

Robertson, R. (1992) b. *The Globalization paradigm*: Thin king Globally. pp 207.

Waller stein, A. (1974). The Rise and future Demise of the world capitalist system: concepts for comparative analysis. *Comparative studies in society and History*. 16, 387-415.